

الگوی توانمندسازی کارآفرینانه دانش‌آموزان به‌منظور ایجاد کسب‌وکارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان

مهدی زیودار*

دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران
mehdizivdar@entp.usb.ac.ir

علیرضا خرم

دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران
A.khorram2014@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹

تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۵/۰۲/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲

چکیده

آموزش و پرورش با داشتن ظرفیت‌های عظیم آموزشی نقش مهمی در انتقال مفاهیم کارآفرینی ایفا می‌کند. آموزش کارآفرینی به دانش‌آموزان، آموزش ایجاد کسب‌وکارهای بخش تعاونی و شناسایی فرصت‌های کارگروهی و مشارکتی در مناطق مرزی می‌تواند از عوامل مهم در ایجاد نگرش دانش‌آموزان به سمت ایجاد کسب‌وکارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی به شمار آید. لذا می‌توان در گام اول با طراحی یک الگوی کارآفرینی منسجم و تدوین یک برنامه صحیح آموزشی در زمینه ایجاد کسب‌وکارهای بخش تعاون، ضمن پرورش روحیه کار مشارکتی در دانش‌آموزان مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان، آن‌ها را با روش‌های راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه در بخش تعاونی مناطق مرزی آشنا ساخت و همچنین زمینه را برای رشد استعدادها و تغییر نگرش‌ها از مشاغل کاذب به سمت ایجاد کسب‌وکارهای کارآفرینانه در حوزه تعاون و همکاری فراهم کرد. از این‌رو پژوهش حاضر در چارچوب طرح پژوهشی کیفی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد انجام شده است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که ایجاد و حفظ تعاونی‌ها در این مناطق ضمن ایجاد اشتغال برای جمعیت کثیری از ساکنین مناطق مرزی، کمک به تأمین عدالت اجتماعی و اقتصادی و همچنین ایجاد انگیزه کاری در میان مردم منطقه به منظور کارآفرینی بومی محلی را به همراه دارد. طراحی یک الگوی کارآفرینی منسجم و تدوین یک برنامه صحیح آموزشی در زمینه ایجاد کسب‌وکارهای بخش تعاون، می‌تواند ضمن پرورش روحیه کار مشارکتی در دانش‌آموزان، آن‌ها را با روش‌های راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه در بخش تعاونی مناطق مرزی آشنا ساخت.

واژگان کلیدی

کسب‌وکارهای تعاونی مرزی؛ کارآفرینی دانش‌آموزان؛ کارآفرینی بخش تعاونی؛ فرهنگ کار تعاونی؛ دانش‌آموزان مناطق مرزی.

۱- مقدمه

کارآفرینان گذاشته شده است، در توسعه اشتغال جامعه نقش مهمی ایفا کنند که این امر مستلزم حمایت دولت و ایجاد زمینه‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری و تأسیس شرکت‌های تعاونی است. آموزش کارآفرینی افراد را با مهارت‌ها و نگرش‌های حوزه کارآفرینی برای شناسایی فرصت‌های کسب‌وکار و تبدیل شدن به یک فرد کارآفرین مجهز می‌کند [۷]. از روش‌های متنوعی برای تحقق اهداف کارآفرینی استفاده می‌شود. از میان آن‌ها می‌توان به تدوین طرح کسب‌وکار، ایفای نقش و کارگروهی اشاره کرد [۸]. در چند سال اخیر یکی از مباحثی که به آن از نگاه ملی توجه می‌شود بحث حل معضل اشتغال از طریق کارآفرینی است. در واقع کارآفرینی بر فرصت‌ها و منابع اقتصادی تمرکز دارد. از سویی اغلب افراد جویای کار فارغ‌التحصیلان مدارس و دانشگاه‌ها هستند که پس از پایان دوره تحصیل آماده ورود به بازار کار می‌باشند و اقدام به کارآفرینی می‌کنند. کارآفرین در واقع با عملیاتی ساختن ایده‌ها و خلاقیت‌های نوآورانه خود در قالب ارائه خدمات یا محصولات به بازار دست به

کارآفرینی به‌عنوان یک اصل حیاتی برای رشد و توسعه اقتصادی یک کشور به حساب می‌آید. دولت‌ها تا به امروز راه کارهای مختلفی برای حل معضل بیکاری جوانان و ایجاد اشتغال ارائه داده‌اند. از جمله سیاست‌های دولت درخصوص اشتغال‌زایی می‌توان به اقدام مؤثر دولت در ایجاد تعاونی‌ها برای بیکاران در جهت اشتغال مولد و همچنین برون‌سپاری خدمات دولتی به بخش‌های غیردولتی در قالب تعاونی‌ها و بخش‌های خصوصی اشاره کرد تا علاوه بر کاهش هزینه‌های دولت و کاهش فشار بر دستگاه‌های دولتی در امر خدمت‌رسانی، فرهنگ کار غیردولتی و مشارکتی را بین آحاد مردم ایجاد کنند. عواملی چون بهره‌مندی از نیروی انسانی متخصص و علاقه‌مند به فعالیت‌های گروهی و وجود سیستم یکپارچه مدیریت تیمی می‌تواند در تحقق فرهنگ کار مشارکتی نقش مؤثری ایفا کنند. کارآفرینان موفق می‌توانند با توجه به وظایف کلی که بر عهده

* نویسنده مسئول

اداره تشکیلات مناسب و در چارچوب مقررات مشخص می‌تواند به منافع اقتصادی تعریف شده‌ای دست یابد؛ این در حالی است که هر عضو براساس تعریف مشخص مشغول به فعالیت بوده و مکمل یک زنجیره عملیات اقتصادی می‌باشد و نکته قابل توجه آن است که آن جمعیت به تنهایی نمی‌تواند به همان مقاصد برسد. در حقیقت، تعاون به مجموعه فعالیت‌هایی اشاره دارد که سرانجامش همکاری بین تعاونگران است. اما نکته قابل توجه درخصوص کسب و کارهای تعاونی مرزی آن است که هنوز فعالیت‌های تعاون محور به طور جدی مورد توجه قرار نگرفته و عمدتاً به دلیل آن است که تاکنون نتوانسته به جایگاه و اهداف مورد انتظار خود در میان مردم برسد. عدم توسعه فرهنگ تعاون در کسب و کارهای مرزی، عدم دسترسی آسان تعاونی‌ها به منابع مالی و فیزیکی و امکانات و اطلاعات، محدودیت فعالیت کسب و کارهای تعاونی مرزی و همچنین پایین بودن سطح مهارت‌ها و مدیریت موجب شده است تا زمینه رشد و توسعه کسب و کارهای بخش تعاونی مرزی فراهم نشود. از سوی دیگر مناطق مرزی تهدیدهایی به همراه داشته است که از بزرگ‌ترین آن‌ها می‌توان به روی آوردن دانش‌آموزان به مشاغل کاذب اشاره کرد. دانش‌آموزان در مناطق مرزی با روی آوردن به مشاغل چون قاچاق، کوله‌بری، کارگری و سایر مشاغل سخت زمینه را برای جلوگیری از آموزش خود فراهم می‌کنند به طوری که دانش‌آموزان تبدیل به کودکان کار شده و فرصت شکوفایی استعدادها و توانمندی‌ها از آن‌ها سلب می‌شود. مدارس مناطق مرزی از جمله استان سیستان و بلوچستان می‌توانند به جای آن که تمرکز خود را بر روی روش‌های سنتی آموزش معطوف کند از برنامه‌های آموزشی خلاقانه برای شناسایی استعدادها، توانمندی‌ها و آموزش‌های کارآفرینی خصوصاً کارآفرینی در بخش تعاونی مرز نشینی استفاده کند تا زمینه‌ای برای رشد و آماده‌سازی جوانان برای ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی مهیا سازد. فرصت‌های اقتصادی جدید جهانی موجب شده منابع دانش‌بنیان از اهمیت بیشتری برخوردار شود و به عنوان منبع اصلی پشتیبانی‌کننده مزیت رقابتی در کسب و کارها شناخته شوند. سرمایه‌های فکری نه تنها برای کسب و کارها ارزش‌آفرین است، بلکه مزیت رقابتی آن نسبت به سایر رقبا است. با توجه به نقش کلیدی سرمایه فکری در موفقیت کسب و کارها نیاز است این دارایی همانند سایر دارایی‌های فیزیکی توانمند شود. با توجه به اهمیت سرمایه فکری به وضوح روشن است که تربیت سرمایه فکری از شاخص‌های مهم در میزان توان رقابتی کسب و کارها برای بقا و رشد در محیط اقتصادی است. از این‌رو، تربیت سرمایه‌های فکری در مناطق مرزی از نکات بسیار مهم است که می‌تواند در مدارس مناطق مرزی رشد و نمو پیدا کند. مدارس مناطق مرزی با آموزش تعاون به دانش‌آموزان به عنوان سرمایه‌های فکری نسل آتی کسب و کارهای مرزی، می‌توانند ارتباط متقابل بین فرد با فرد، فرد با گروه و گروه با گروه را آموزش دهند. تعاون نوعی کنش گروهی است که تأمین‌کننده منافع و نیازهای اعضاست و آموزش فعالیت‌های تعاون محور

کارآفرینی می‌زند. اما از آنجایی که کارآفرینی همواره با عدم قطعیت و مخاطره همراه بوده، احتمال شکست بازار در اثر عدم تجربه کار تیمی و آموزش مهارت‌های جسمی و ذهنی وجود دارد. ریسک، خلاقیت، میل به مشارکت، موفقیت و نوآوری از ویژگی‌های کارآفرینی است. آموزش کارآفرینی، ایجاد فرهنگ کارآفرینی، کار و تعاون، حمایت از کارآفرین، احترام به کارآفرین در جامعه و آموزش و پرورش نیروی کارآفرین را می‌توان به عنوان راهبردهایی در سطح کلان مورد توجه قرار داد تا زمینه‌ساز رشد و توسعه اقتصادی یک کشور شود.

ایران با داشتن مرزهای متعدد جغرافیایی و ارتباط با کشورهای همسایه فرصت‌های کارآفرینی بالقوه‌ای پیش روی خود دارد. مناطق مرزی علاوه بر تأمین امنیت، نقش مهمی در مناسبات اقتصادی یک کشور ایفا می‌کند و اقتصاد مرزی کنش متقابل مرزنشینان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. مرزها هم می‌توانند مانعی در برابر توسعه مناطق مرزی باشند و هم به عنوان یک پتانسیل بالقوه در زمینه تعاملات اقتصادی و سیاسی باشد. توسعه مبادلات منطقه‌ای از عوامل مؤثر در توسعه کشورها به شمار می‌آید، اقتصاد مناطق مرزی می‌تواند نقش تحول‌آفرین در پیشرفت و توسعه مناطق مرزی داشته باشد و باعث توسعه پایدار مرزی، ثبات جمعیت، افزایش ظرفیت اشتغال و بهبود معیشت ساکنین مناطق مرزی شود [۱]. کارآفرینی منطقه‌ای در بهبود کیفیت زندگی افراد، خانواده‌ها و جوامع محلی و ثبات اقتصاد مؤثر است [۹]. وضعیت خاص جغرافیایی مناطق مرزی و کمتر توسعه‌یافتگی به واسطه شرایط سیاسی اجتماعی حاکم بر استان‌های مرزی، زمینه‌ساز تبعات منفی در استانداردهای زندگی نسبت به استان‌های مرکزی کشور شده که از نگاه امنیتی حساسیت‌ها و نگرانی‌هایی در سطح کلان ایجاد کرده است [۲]. از این‌رو، شهرها و مناطق مرزی از جمله سیستان و بلوچستان نیز از تعاملات اخیر اقتصادی بی‌نصیب نمانده و مشاهده می‌شود که مناطق مرزی آن در مقایسه با گذشته ارتباطات و تعاملات اقتصادی با کشورهای همسایه خود دارد. استان سیستان و بلوچستان یکی از مناطق مرزی است که دارای پتانسیل‌ها و مزیت‌های نسبی در حوزه سرمایه‌گذاری و کارآفرینی است که در صورت توجه ویژه به این مزیت‌ها پیشرفت در سطح ملی و فراملی را به همراه خواهد داشت. از جمله این مزیت‌ها می‌توان به وجود تقریبی ۱۲۰۰ کیلومتر مرز خاکی و ۳۷۰ کیلومتر مرز دریایی استان و اتصال آن به دریای عمان و همجواری با کشورهای پاکستان و افغانستان اشاره کرد. با توجه به مصرف گرابودن دو کشور افغانستان و پاکستان، سیستان و بلوچستان می‌تواند نقش بسیار ارزشمندی در تأمین و توزیع منابع به این دو کشور ایفا کند. برای توسعه پایدار در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تأکید بر تعادل و توازن شده است که اساس این توازن را مردم یک جامعه شکل می‌دهند و این امر از طریق مشارکت و تعاون مردم در قالب سازمان‌های اجتماعی امکان‌پذیر است [۳]. کسب و کارهای بخش تعاونی مرزی به جمعیتی اشاره دارد که با ایجاد و

دانش آموزان شکل گیرد پرسش مهمی است که جواب آن را می توان در سیستم رسمی آموزش و پرورش جستجو کرد. مهم تر از آن، اینکه مدرسه چگونه می تواند کودکان و نوجوانان را به کار تعاون محور سوق دهد مسأله مهمی است که باید به آن نگاه ویژه داشت.

مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان افزون بر فرصت های بالقوه در خصوص مبادلات کالا با کشورهای همسایه و رشد و توسعه اقتصاد مرزی همواره دچار تهدیدهای ویژه ای است. از جمله تهدیدهای نگران کننده در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان گرایش دانش آموزان به مشاغل کاذب، قاچاق و کوله بری است اما با نگاهی متفاوت، مدارس مناطق مرزی را می توان به عنوان یک کارخانه شخصیت سازی کارآفرینانه فردی قلمداد کرد که با یک الگوی آموزش توانمندسازی کارآفرینانه با تمرکز بر اهدافی خاص به ویژه تمرکز بر کسب و کارهای تعاون محور، افرادی توانمند در حوزه ایجاد کسب و کارهای کارآفرینانه تعاون محور تربیت می نماید. ثمره این آموزش توانمندسازی، حذف تدریجی سایه مشاغل کاذب بر دانش آموزان در مناطق مرزی است. بنابراین ضرورت آموزش کارآفرینی به دانش آموزان از طریق طراحی الگوی توانمندسازی کارآفرینانه دانش آموزان به منظور ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی بیش از گذشته در مدارس مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان احساس می شود. با توجه به بررسی های صورت گرفته توسط پژوهشگر تاکنون الگویی در خصوص توانمندسازی کارآفرینانه دانش آموزان به منظور ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان طراحی نشده است. از این رو با ارائه یک الگو به منظور توانمندسازی کارآفرینانه دانش آموزان مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان در ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی می توان زمینه نوآوری آموزشی را در مدارس استان ایجاد کرد. همچنین هیچ برنامه آموزشی منسجم در توانمندسازی دانش آموزان در ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی در مدارس استان سیستان و بلوچستان به تصویب نرسیده است که با طراحی این الگوی آموزشی می توان زمینه ایجاد نوآوری در آموزش کارآفرینی گروهی در مدارس مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان ایجاد کرد. لذا می توان در گام اول با طراحی یک الگوی کارآفرینی منسجم و تدوین یک برنامه صحیح آموزشی در زمینه ایجاد کسب و کارهای بخش تعاون، ضمن پرورش روحیه کار مشارکتی در دانش آموزان مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان، آن ها را با روش های راه اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه در بخش تعاونی مناطق مرزی آشنا ساخت و زمینه را برای رشد استعدادها و تغییر نگرش ها از مشاغل کاذب به سمت ایجاد کسب و کارهای کارآفرینانه در حوزه تعاون و همکاری فراهم کرد. از این رو پرسش اصلی پژوهش حاضر بدین شرح مطرح می شود که الگوی توانمندسازی کارآفرینانه دانش آموزان به منظور ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان چیست؟

می تواند سبب انتفاع افراد شود. آموزش کارآفرینی افراد را با مهارت ها و نگرش های حوزه کارآفرینی برای شناسایی فرصت های کسب و کار و تبدیل شدن به یک فرد کارآفرین مجهز می کند [۷]. این در حالی است که محققان تأکید به نقش آموزش در ایجاد کسب و کارهای پایدار کارآفرینانه از مقطع دبیرستان دارند [۱۰]. امروزه یکی از چالش های اساسی در تمامی کشورها به ویژه ایران، مسأله ظرفیت اشتغال پذیری برای فارغ التحصیلان نظام آموزشی است. سیستم نظام آموزشی از عوامل مهم بر کارآفرین شدن جوانان است. آموزش کارآفرینی باید در محتوا، روش ها و ابزارهای آموزشی گنجانده شود [۱۱]. از آنجایی که شخصیت افراد عمدتاً در دوران کودکی و نوجوانی شکل می گیرد و ایده ها و خلاقیت های ذهنی افراد به صورت کار گروهی و طوفان فکری بروز می کند، سیستم آموزش و پرورش با ایجاد فعالیت هایی همچون تدریس کتاب های کار و فناوری و کارآفرینی به دنبال پرورش دانش آموزان کارآفرین است. معلمان نقش اساسی در تولید محتوای آموزشی هدفمند با رویکرد کارآفرینی همراه با ابتکار و نوآوری دارند [۱۲]. آموزش و پرورش با داشتن ظرفیت عظیم آموزشی و در اختیار داشتن نیروی انسانی آماده ورود به بازار کار و همچنین با در اختیار داشتن دانش آموزان به صورت بلندمدت، نقش مهمی در انتقال مفاهیم کارآفرینی ایفا می کند و می تواند زمینه رشد و یادگیری اصولی مهارت های لازم برای کارآفرین شدن را در دانش آموزان فراهم سازد. توانایی تشخیص فرصت ها، اعتماد به نفس، کسب دانش و مهارت برای عملیاتی ساختن ایده ها از مبانی آموزش کارآفرینی به افراد است [۱۳]. بنابراین از مواردی که می توان به آن توجه کرد توانمندسازی دانش آموزان در مدارس است تا فرهنگ کار مشارکتی و ایجاد کسب و کارهای توأم با تعاون در اذهان دانش آموزان شکل بگیرد و آمادگی ورود عملی به بازار کار گروهی و عرصه کارآفرینی در بخش تعاونی را داشته باشند. بروز و پرورش بعضی از ویژگی های شخصیتی مانند خلاقیت، کار تیمی، شناسایی استعدادها و پرورش مهارت ها از سنین کودکی و نوجوانی امکان پذیر است که این امر با ایجاد بستر آموزشی در مدارس تسهیل پیدا خواهد کرد. آموزش های مهارتی در مدارس ایران خصوصاً مهارت های کارآفرینی در نقاط مختلف ایران متفاوت است. معلم به عنوان متولی آموزش در مدارس می تواند نقش یک راهنما و مشاور در شناسایی و تقویت مهارت های دانش آموزان ایفا کند. مشارکت دانش آموزان در مباحث مهارتی چون ایده پردازی، ریسک پذیری، هدف گذاری، کار گروهی، کسب درآمد و حل مسأله می تواند فرصت مناسبی برای رشد و تقویت مهارت های دانش آموزان ایجاد کند. به عنوان مثال، آموزش کارآفرینی به دانش آموزان، آموزش ایجاد کسب و کارهای پایدار تعاون گرا و شناسایی فرصت های کارآفرینی محل سکونت می تواند از عوامل مهم در تغییر نگرش دانش آموزان در مناطق مرزی به شمار آید. سیستم آموزشی کشور که در رأس آن مدرسه به عنوان سازمان یادگیرنده قرار دارد اساسی ترین نقش در توانمندسازی دانش آموزان ایفا می نماید. به واقع، اینکه چگونه شخصیت کارآفرینانه در

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

توانمندسازی فرایندی است که به مهارت‌آموزی، افزایش اعتمادبه‌نفس و دانش موردنیاز برای کنترل شرایط زندگی افراد کمک می‌کند [۱۴]. در امر آموزش، توانمندسازی جهت‌دهی افراد برای بهبود مهارت‌های خود است تا بتوانند در برابر چالش‌های اقتصادی و اجتماعی آماده شوند [۱۵]. کارآفرینی، فرایندی است تا با ایجاد ارزش از طریق فرصت‌های نوآورانه و فناورانه به بهره‌گیری از منابع موجود بپردازد [۱۶]. آموزش کارآفرینی به‌ویژه در دوره‌های تحصیلی ابتدایی، ارتقای مهارت‌های شناختی و عملی دانش‌آموزان را هدف قرار داده و آن‌ها را برای شناسایی فرصت‌ها و شروع کسب و کارهای خود آماده می‌کند [۱۷]. آموزش کارآفرینی با تکیه بر روش‌های مبتنی بر علم و تأکید بر پروژه‌محور بودن آن، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا فعالیت‌های عملی حوزه کارآفرینی را در محیطی امن کسب کنند [۱۸]. مهارت تفکر خلاق، ایده‌پردازی و تحلیل محیط کسب و کار می‌تواند به عنوان اهداف آموزشی در مدارس مناطق مرزی دنبال شود [۱۹]. ایجاد و توسعه روحیه کارآفرینانه در دانش‌آموزان مناطق مرزی به واسطه انگیزه‌بخشی، تقویت خودباوری و معرفی کارآفرینان موفق محلی میسر می‌شود [۲۰].

تأکید نظری توانمندسازی کارآفرینانه بر افزایش ظرفیت روان‌شناختی و مهارتی به‌ویژه دانش‌آموزان و جوانان است. مهارت‌های مدیریتی، شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه و حل مسئله برای موفقیت در فرایند کارآفرینی حائز اهمیت است [۲۱]. از نگاه روان‌شناختی، افزایش روحیه کار جمعی، خودباوری، افزایش انگیزه و کاهش ترس از شکست در کسب و کار مورد توجه قرار گرفته است [۲۲]. توانمندسازی اجتماعی به عنوان یک زیرشاخه در توانمندسازی کارآفرینانه زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان با تقویت روابط جمعی و گسترش شبکه‌های حمایتی با اطمینان بیشتری اقدام به ایجاد کسب و کار کنند [۲۳]. توانمندسازی کارآفرینانه در مناطق مرزی همواره با چالش‌های متفاوتی روبرو بوده است که ماحصل آن محدودیت در ایجاد کسب و کار است. کمبود زیرساخت‌های اقتصادی و آموزشی باعث محدودیت در توسعه کارآفرینی مرزی شده است [۲۴]. باورهای سنتی و فرهنگی در مناطق مرزی باعث شده تا واژه نوآوری در کارآفرینی مرزی نمود پیدا نکند و برای دستیابی به اهداف کارآفرینی در مناطق مرزی نیاز به تغییرات فرهنگی و نگرشی مثبت به کارآفرینی است [۲۵].

مناطق مرزی مانند سیستان و بلوچستان به دلیل متفاوت بودن فضای جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی همواره با چالش‌ها و فرصت‌هایی روبرو است، از این رو توانمندسازی کارآفرینانه دانش‌آموزان مناطق مرزی این امکان را فراهم می‌سازد تا با تاب‌آوری اقتصادی بالا به‌طور مؤثر با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی مقابله کنند [۲۶]. این توانمندسازی می‌تواند نقش مؤثری در بهبود اشتغال، کاهش فقر و تقویت همبستگی اجتماعی در مناطق مرزی ایفا کند [۲۷]. آموزش کارآفرینی و ایجاد روحیه استقلال و توانمندی در ایجاد شغل در افراد ساکن مناطق مرزی تأثیرگذار است.

تحقیقات نشان می‌دهد که آموزش، خودباوری، تقویت اعتمادبه‌نفس و توانمندسازی ایجاد کسب و کارهای محلی را به همراه خواهد داشت [۲۸]. توانمندسازی کارآفرینانه بر رفتارها و باورهای کارآفرینی افراد اشاره می‌کند. نگرش و هنجارهای اجتماعی کمک می‌کند تا درک بیشتری از چگونگی توانمندسازی دانش‌آموزان در مناطق مرزی و تقویت آن شود [۲۹].

اساس شکل‌گیری کسب و کارهای تعاونی بر مبانی همکاری و مشارکت اعضا برای رسیدن به اهداف مشترک است و اغلب در جوامعی با نیازهای اقتصادی مشترک تأسیس می‌گردد. این نوع از کسب و کارها با ایجاد فرصت‌های اقتصادی پایدار نقش مهمی در توسعه اجتماعی و فرصت‌های برابر اقتصادی در مناطق محروم ایفا می‌کند [۳۰]. کسب و کارهای مرتبط با حوزه تعاون با داشتن اصول خاص خود ساختار مشارکتی قابل توجهی فراهم آورده است. از مزایای بالقوه کسب و کارهای تعاون محور می‌توان به افزایش قدرت خرید مشارکت‌کنندگان، اشتغال‌زایی بومی و محلی، افزایش رفاه و عدالت اقتصادی اشاره کرد. علاوه بر این کسب و کارهای حوزه تعاون بر پایه بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش فقر اجتماعی بنا شده است [۳۱]. تعاونی‌ها نیز از لحاظ اجتماعی تأثیرگذار هستند. تعاون در عمل نقش بسزایی در رشد و توسعه اقتصادی و همچنین افزایش درآمد و ایجاد بازارهای جدید ایفا می‌کند [۳۲]. نوآوری و استفاده از فرصت‌های کارآفرینانه حوزه تعاون توانسته نتایج مطلوب اقتصادی برای اعضا فراهم آورد، در حقیقت اساس تعاونی‌ها بر پایه مشارکت پایه‌ریزی شده و مشارکت افراد سبب رقابت‌پذیری و بهره‌برداری از فرصت‌های مطلوب اقتصادی می‌شود [۳۳].

کسب و کارهای تعاونی مرزی یکی از انواع کسب و کارهای حوزه تعاون است. تعاونی‌های مرزی اشکالی از سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی است که با هدف بهبود اقتصاد مرزی، ارتقای معیشت، مبادلات تجاری مرزی با رویکرد تأمین منافع مشترک تأسیس شده است [۳۴]. تعاونی‌های مرزی به واسطه شرایط خاص جغرافیایی بستر بسیار مناسب برای مبادلات و تجارت‌های جهانی است و می‌توانند به عنوان یک پل به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه کمک کنند [۳۵]. کسب و کارهای تعاون محور مرزی با ایجاد کارآفرینی نقش مهمی در کاهش فقر در مناطق مرزی دارد. همچنین تعاونی‌های مرزی با ساختار همبستگی اجتماعی خود موجب کاهش تنش‌های اجتماعی در مناطق مرزی می‌شود [۳۶]. ساختار تعاونی‌های مرزی انعطاف‌پذیر و براساس تعامل است، مدل‌های مدیریتی به صورت مشارکتی و در تصمیم‌گیری‌ها دموکراتیک عمل می‌کند [۳۷].

دلمونته^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با موضوع «ریشه‌های تاریخی کارآفرینی منطقه‌ای پایگاه دانش تاریخی» مطرح کردند که وجود فرهنگ کارآفرینی در یک منطقه و افرادی که به دنبال ایجاد کسب و کارهای جدید هستند، میزان وابستگی یک اجتماع را به کارآفرینی منطقه‌ای نشان می‌دهد [۳۸]. کارآفرینی یک اصل اجتماع‌پذیر است و از طریق مشارکت‌های

پس از مطالعات صورت گرفته در قلمرو پژوهشی کسب و کارهای بخش تعاون در مناطق مرزی، عدم توجه کافی به حوزه آموزش کارآفرینانه کسب و کارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی مورد توجه قرار گرفت. پژوهشگران داخلی و خارجی مزایا، معایب، فرصت‌ها و تهدیدهای تعاونی‌های مرزی را مورد بررسی قرار دادند اما نگاه کم‌سویی به آموزش کارآفرینانه در سنین کودکی و نوجوانی در مدارس مناطق مرزی شده است. از این رو فقدان یک الگوی جامع آموزشی برای توانمندسازی کارآفرینانه دانش‌آموزان مناطق مرزی به منظور ایجاد کسب و کارهای بخش تعاون احساس شد.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر جهت‌گیری، بنیادی و در زمره پژوهش‌های اکتشافی به لحاظ هدف است. همچنین، نوع پژوهش، کیفی و راهبرد به کار گرفته شده، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است. روش تحقیق میدانی، مجموعه‌ای از روش‌های منظم است که برای جمع‌آوری اطلاعات پیرامون دیدگاه‌ها، باورها، نظرات، رفتارها یا مشخصات افراد، صاحب‌نظران و خبرگان حوزه مورد پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد که نشانگر به‌دست آوردن اطلاعات گروهی از اعضای یک جامعه آماری در مقیاس کل است. این روش احتمالاً یکی از بهترین روش‌های موجود برای آن دسته از پژوهندگان است که علاقه‌مند به جمع‌آوری داده‌های اصلی برای توصیف جمعیت‌های بزرگ هستند که نمی‌توان دسترسی مستقیم به آن‌ها داشت. از این رو با نمونه‌گیری احتمالی دقیق می‌توان جامعه آماری از پاسخگویان را فراهم نمود تا با پایش اطلاعات به‌دست آمده از آنان به ویژگی جمعیت‌های بزرگ‌تر رسید و همچنین این روش ابزار مناسبی برای توصیف و تفسیر نگرش‌ها و جهت‌گیری‌ها است. طرح‌های پژوهشی کیفی، طرح‌هایی نظام‌مند به منظور تبیین و نمایاندن تجارب انسانی پیرامون انواع پدیده‌ها هستند. بیان این تجارب در قالب پژوهش، می‌تواند به دو نوع توصیفی و تفسیری صورت گیرد. روش‌های توصیفی و تفسیری هر دو هدف مشترکی دارند و به نوعی روش تجزیه و تحلیل آن‌ها هم‌پوشانی دارد. در واقع هدف اصلی یک پژوهش کیفی، خلق یک تبیین از ویژگی‌ها، باورها و نظرات یک شرایط زمینه‌ای خاص است تا به دنبال ارائه تفسیری از درک پدیده (بیش از توصیف آن) باشد [۴۳].

پژوهش پیش‌رو از جمله پژوهش‌های داده‌بنیاد است که از طریق آن نظریه‌پردازی بر مبنای دریافت و فهم حاصل از داده‌های گردآوری‌شده طی پژوهش شکل می‌گیرد. در این نوع نظریه‌پردازی از تلاقی منسجم اجزاء، مفهومی نو و بدیع در گردآوری و تجمیع داده‌های پراکنده ایجاد و نظریه‌ای تدوین می‌شود. پژوهشگر در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد پیش‌فرض‌ها و چارچوب‌ها را درهم شکسته و شکل جدیدی از نظام‌یافتگی و تدوین اطلاعات را خلق می‌کند. به عبارت دیگر، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد با شناسایی نظرات و دیدگاه‌های اصلی شرکت‌کنندگان در پژوهش، داده‌های پراکنده، متعدد و متنوع را با یکدیگر ترکیب کرده و زمینه‌ای نو در ایجاد نظریه‌ای

اجتماعی تحقق می‌یابد. در کارآفرینی عواملی چون بهره‌مندی از نیروی انسانی متخصص و علاقه‌مند به فعالیت‌های گروهی و وجود سیستم یکپارچه مدیریت تیمی می‌تواند در تحقق فرهنگ کار مشارکتی و کارآفرینی نقش مؤثری ایفا کنند. دوران کودکی و نوجوانی بستر مناسب برای تربیت نیروی کارآفرین است. از سوی دیگر خودتنظیمی کارآفرینانه در نتیجه تربیت دوران کودکی و نوجوانی یک فرد کارآفرینان است [۳۹]. آموزش کارآفرینی افراد را با مهارت‌ها و نگرش‌های حوزه کارآفرینی برای شناسایی فرصت‌های کسب و کار و تبدیل شدن به یک فرد کارآفرین مجهز می‌کند [۴].

مدارس مناطق مرزی با آموزش تعاون به دانش‌آموزان به‌عنوان سرمایه‌های فکری نسل آتی کسب و کارهای مرزی، می‌توانند ارتباط متقابل بین فرد با فرد، فرد با گروه و گروه با گروه را آموزش دهند. تعاون نوعی کنش گروهی است که تأمین‌کننده منافع و نیازهای اعضاست و آموزش فعالیت‌های تعاون محور می‌تواند سبب انتفاع افراد شود. آموزش کارآفرینی افراد را با مهارت‌ها و نگرش‌های حوزه کارآفرینی برای شناسایی فرصت‌های کسب و کار و تبدیل شدن به یک فرد کارآفرین مجهز می‌کند [۷]. از روش‌های متنوعی برای تحقق اهداف کارآفرینی استفاده می‌شود. از میان آن‌ها می‌توان به تدوین طرح کسب و کار، ایفای نقش و کار گروهی اشاره کرد [۸]. در چند سال اخیر یکی از مباحثی که به آن از نگاه ملی توجه می‌شود بحث حل معضل اشتغال از طریق کارآفرینی است. کارآفرینی بر احصاء نیازمندی‌ها، شناسایی فرصت‌ها و همچنین منابع اقتصادی موجود تمرکز دارد اما از آنجایی که کارآفرینی همواره با عدم قطعیت و مخاطره همراه بوده، احتمال شکست بازار در اثر عدم تجربه کار تیمی و آموزش مهارت‌های جسمی و ذهنی وجود دارد [۵]. پژوهش‌های دیگر در حوزه تعاونی مرزی نشان داد که تعاونی‌ها در ترویج و توسعه مناسبات بین‌المللی نقش برجسته‌ای دارند. پژوهش‌های بین‌المللی دیگری در حوزه تعاونی‌های مرزی صورت گرفته است. به‌عنوان نمونه لاند و آباو^۱ (۲۰۱۸) در تحقیقات خود نشان داد که تعاونی‌های مناطق مرزی به سبب استفاده از منابع محلی زمینه‌ساز ایجاد فرصت‌های کارآفرینانه مرزی می‌شود که به تبع آن سطح رفاه عمومی را به دنبال خواهد داشت [۴۰]. همچنین مطالعاتی در تأثیر مثبت ایجاد تعاونی در ثبات امنیت مناطق مرزی صورت گرفت. ویلسون^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود نشان دادند که ایجاد کسب و کارهای رسمی همچون تعاونی‌ها کاهش تمایل افراد مناطق مرزی به کسب و کارهای غیرقانونی همچون قاچاق را به همراه دارد [۴۱]. هارتلی و جانسون^۳ (۲۰۱۹) در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که تعاونی‌های مناطق مرزی به‌عنوان منجی اقتصادی و اجتماعی عمل می‌کند و علاوه بر کاهش تنش‌های مرزی سبب انتفاع اقتصاد بین‌المللی می‌شود [۴۲].

1. Lund & Aabo
2. Wilson
3. Hartley & Johnson

جدید را فراهم می کند. در روش نظریه داده بنیاد، از گردآوری داده ها به منظور ایجاد نظریه ای نو استفاده می شود [۴۴]. راهبرد نظریه پردازی داده بنیاد، حرکت از جزء به کل است که در زمره رویکردهای استقرایی قرار می گیرد. این روش یک سلسله رویه های نظام مند را به کار می گیرد تا نظریه ای مبتنی بر استقراء درباره پدیده مورد نظر ایجاد کند. یافته های تحقیق براساس گردآوری، بررسی و تنظیم نظری واقعیت ها است و در آن از تجزیه و تحلیل آماری و با یک مجموعه ای از مطالب که به یکدیگر وصل شده باشند استفاده نمی شود. در نظریه پردازی داده بنیاد، داده ها به صورت پیوسته با یکدیگر ارزیابی می شوند تا ناهمسانی ها، تضادها و خلأهای داده ها مشخص شوند و به تدریج، نظریه شکل گیرد [۴۴].

از میان رویکردهای مختلف نظریه داده بنیاد این پژوهش بر مبنای رویکرد نظام مند انجام شده است؛ چرا که پژوهشگر، سعی بر آن داشته از بطن داده ها، تجارب، عقاید و نگرش های موجود در حوزه پژوهش مورد نظر، به طراحی الگوی توانمندسازی کارآفرینانه دانش آموزان به منظور ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان دست یابد. به گونه ای که موضوع مورد پژوهش از نگاه یک فرایند تعاملی که حاصل داده های گردآوری شده شرکت کنندگان در پژوهش است، مورد واکاوی قرار می گیرد. در رویکرد نظام مند، برآمده از روش شناسی داده بنیاد، در این پژوهش، تحلیل داده ها طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شده است. در کدگذاری باز، داده های مکتسبه در طبقات عمده اطلاعاتی کدگذاری بخش بندی شدند و با این بخش بندی ها، مفاهیم درون مصاحبه ها، اسناد و مدارک، براساس ارتباط با موضوعات مشابه، مقوله بندی شدند. کدگذاری محوری با ورودی نتایج حاصل از کدگذاری باز صورت پذیرفت؛ به این ترتیب که مقوله ها به شکل نظام مند با یکدیگر تطبیق و میان آن ها ارتباط برقرار شد. سرانجام، کدگذاری انتخابی به عنوان آخرین مرحله کدگذاری، مقوله های اصلی شناسایی شده که از لحاظ مفهوم و معنا با یکدیگر مرتبط بودند را به شیوه ای نظری و خط داستانی، تحلیل و توصیف می کند و آن را به صورت یک الگو و همچنین، نظریه ارائه می دهد. نظریه و الگوی نهایی به صورت یک داستان متشکل از مجموعه ای از گزاره ها ارائه شده است. اساس نظریه ها بر مبنای داده های برخاسته از زمینه، نظرات و تعاملات شرکت کنندگان با پژوهشگر است.

مصاحبه یکی از ابزارهای پژوهش کیفی به منظور گردآوری داده ها است. مصاحبه نوعی گفتگوی هدف دار و منظم است که براساس نوع تحقیق، داده ها و مشاهدات متفاوتی از مصاحبه شوندگان به دست می آید. تمرکز مصاحبه بر روی مواردی است که به ایجاد یک نظریه برای پژوهش مورد نظر بیانجامد. مصاحبه به پژوهشگر این اطمینان را می دهد که پاسخ مصاحبه شوندگان در چه زمینه هایی مشابهت دارند و مسیر صحیحی از جمع آوری داده ها به منظور ایجاد نظریه را به پژوهشگر نشان می دهد. انعطاف پذیری از ویژگی های عمده و برجسته مصاحبه نیمه ساختاریافته

است و نتیجه مصاحبه به وسیله پژوهشگر استنباط و درک می شود [۴۵]. لذا روش گردآوری داده ها در پژوهش پیش رو براساس مصاحبه های متعدد نیمه ساختاریافته مبتنی بر پروتکل گردآوری داده ها و پروتکل مصاحبه بود. با هر مصاحبه شونده دست کم دومرتبه مصاحبه صورت پذیرفت و زمان تقریبی هر مصاحبه با مصاحبه شوندگان مابین ۴۵ دقیقه تا ۱۲۰ دقیقه بود. در طی مصاحبه ها یک راهنمای کلی یا پروتکل تهیه شد و براساس آن محورهای کلی را از قبل مشخص شد. این پروتکل مشتمل بر پرسش هایی خاص مرتبط با قلمرو موضوعی و مکانی پژوهش بود. شایان ذکر است که پروتکل یا راهنمای مصاحبه به پژوهشگر این امکان را می دهد قبل از انجام مصاحبه، پرسش هایی را تدوین نماید و سپس درباره این که کدام مسیر را باید دنبال کند تصمیم بگیرد [۴۶].

همچنین در پژوهش انجام شده، برای گردآوری و تحلیل داده ها، از فرایند رفت و برگشت استفاده شده است، به این شیوه که پژوهشگر مصاحبه های نیمه ساختاریافته، داده ها را گردآوری می کند و در چرخه برگشت، داده ها را تحلیل می کند. این فرایند رفت و برگشت به منظور جمع آوری و تحلیل داده های نظری شرکت کنندگان در پژوهش صورت می گیرد و این فرایند تا زمان اقناع و اشباع اطلاعاتی مقوله ها توسط پژوهشگر ادامه می یابد [۶]. نکته حائز اهمیت در این پژوهش تأکید بر گردآوری داده ها بیش از یک مرتبه است تا اینکه فرایند یا نظریه به درجه اشباع و تکوین خود برسد. زمان مشخصی را برای فرایند پژوهشی نمی توان در نظر گرفت و پژوهشگر باید به درجه ای از اقناع برسد که داده ها و نظریه ها به طور جامع و کامل تکوین یافته است. در طراحی الگوی توانمندسازی کارآفرینانه دانش آموزان به منظور ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان از جامعه خبرگان و کارشناسان حوزه کارآفرینی، اساتید دانشگاه، مدیران شرکت های تعاونی، مدیران بازارچه های مرزی، کارشناسان بخش اشتغال تعاونی ادارات کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی مناطق مرزی، مدیران شرکت های تعاونی مرزنشین، کارآفرینان بخش تعاونی، معلمان مجرب و کارشناسان فنی و حرفه ای و کار و فناوری ادارات کل آموزش و پرورش مناطق مرزی، کارشناسان کارگروه اشتغال استانداری مناطق مرزی استفاده شده است.

در این پژوهش، از روش نمونه گیری نظری استفاده شده است. این نمونه گیری تا زمانی ادامه می یابد که پژوهشگر به درجه ای از اشباع نظری در داده های جمع آوری شده خود برسد و این اطمینان حاصل شود که داده جدیدی در ارتباط با مقوله ها به دست نمی آورد [۴۷]. داده های مورد نظر از طریق مصاحبه با افراد صاحب نظر و خبره در قلمرو موضوعی پژوهش گردآوری شد؛ از این جهت که افرادی که در تحقیق شرکت می کنند به عنوان منابع اطلاعاتی معتبر در حوزه پژوهش قلمداد می شوند، به طوری که بر نظرات آن ها، مداخله ای صورت نگرفته است و نظرات، باورها و دیدگاه های آن ها به دقت ثبت شد و با استفاده از روش نمونه گیری نظری، در پژوهش به پژوهشگر به اشباع نظری رسیده شد. نمونه گیری

صاحب نظران نمونه نظری پژوهش، ۳ نفر دارای مدرک دکتری، ۸ نفر کارشناسی ارشد، ۹ نفر کارشناسی و ۲ نفر کاردانی بودند. از دیگر ویژگی های نمونه پژوهش ارتباط مستقیم تحصیلی و زمینه فعالیت کاری آن ها با موضوع مورد پژوهش است به گونه ای که وجود ویژگی تحصیلات دانشگاهی و نقش متخصصین این حوزه در ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی را برجسته می سازد. همچنین نمونه مورد پژوهش در بازه سنی ۲۵ تا ۵۱ قرار داشتند که در میان آن ها ۴ نفر زن بودند.

از سوی دیگر تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده و اعتبار بخشیدن به یافته های پژوهش، ۵ مقوله اصلی را به عنوان اجزای اصلی تشکیل دهنده در فرایند مورد پژوهش تعیین نموده است. جدول شماره (۱) خلاصه ای از مراحل کدگذاری، استخراج مقوله ها و سازماندهی اطلاعات جمع آوری شده است. براساس نکات ذکر شده، مجموعه مصادیق ذیل توانمندسازی کارآفرینانه دانش آموزان به منظور ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان را شکل می دهد:

- ۱- استفاده از ظرفیت بومی، کارآفرینی سازمانی و زیرساخت های مناسب کارآفرینی بین المللی (شرایط زمینه ای)
- ۲- ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان (شرایط علی)
- ۳- شناسایی و تقویت استعدادها، به کارگیری مهارت های کاربردی و ایجاد کسب و کارهای تعاونی از طریق آموزش در مدارس (راهنمها)
- ۴- ایجاد کسب و کارهای مشارکتی جلوگیری از مهاجرت مرزنشینان، گسترش صادرات غیرنفتی، تقویت بازارچه های مرزی، رشد اقتصادی و افزایش اشتغال (پیامدها)
- ۵- نیروهای پشتیبان، نیروهای محرک، نیروهای بازدارنده (عوامل مداخله گر)

جدول ۱- خلاصه مراحل کدگذاری و انتقال از داده به نظریه

مرحله	کدگذاری	فعالیت انجام شده	خروجی
۱	کدگذاری باز	کدگذاری اولیه نشانه های کلامی تحلیل مقایسه ای ثابت	احصا ۵۷۴ کد باز توسعه ویژگی ها و ابعاد زیر مقوله های فرعی توسعه ۳۴ زیر مقوله فرعی
۲	کدگذاری محوری	شناسایی و تعیین مقوله مرکزی تجزیه مقوله های اصلی ارتباطدهی مقوله ها توسط الگوی پارادایمی	توسعه ۱۷ زیر مقوله توسعه ۵ مقوله اصلی ساختار مقدماتی الگو
۳	کدگذاری انتخابی	داستان پردازی تفسیر و تکوین نظریه	توسعه ۵ گزاره خط داستان نظریه پردازی

در جدول شماره ۲، مقوله های اصلی به همراه زیر مقوله ها و مقوله های فرعی آورده شده است. گزاره های توسعه یافته طی رویه های کدگذاری محوری و انتخابی، اثرات و روابط میان مقوله های اصلی را به شرح معین بیان می کند: گزاره الف- اصلاح مأموریت و ساختار آموزشی مدارس موجب توسعه ترویج فرهنگ تعاون و ایجاد کسب و کار مشارکتی در مناطق مرزی می شود.

نظری، نوعی از نمونه گیری است که افرادی با تجارب خاص در پدیده مورد نظر پژوهش انتخاب و دیدگاه های آن ها ثبت می شود. همچنین با بهره گیری از روش گلوله برفی از مصاحبه شوندگان درخواست شد سایر افرادی که در وضعیت مشابهی قرار دارند و می توانند اطلاعات مرتبط بیشتری ارائه بدهند، معرفی کنند و از آن ها نیز مصاحبه به عمل آمد. این امر تا زمانی ادامه یافت که پژوهشگران به این اقتناع رسیدند که از داده های گردآوری شده جدید، اطلاعات جدیدی حاصل نمی شود یا به بیان دیگر، اشباع نظری وصول شد. لذا به لحاظ حجم نمونه نظری، ملاک تعیین تعداد مصاحبه شوندگان، رسیدن به اشباع در پژوهش بود به گونه ای که مصاحبه های جدید فهم متفاوت یا متمایزی درخصوص توسعه بیشتر مقوله ها یا ارتباط میان آن ها (گزاره ها) فراهم نساخت. به همین روی، در این پژوهش؛ نخست، به منظور گردآوری داده ها، پروتکل گردآوری داده ها و همچنین پروتکل مصاحبه، تدوین شد. در طراحی پروتکل مصاحبه، از منطلق طراحی چارچوب برگرفته از بازنگری پیشینه و مبانی نظری قلمرو موضوعی پژوهش و همچنین، تکنیک شش سؤال کلی (5W1H) نیز بهره گیری شد. پس از مصاحبه های اولیه، بازنگری و جرح و تعدیل های لازم بر روی پروتکل مصاحبه صورت پذیرفت و پروتکل نهایی مصاحبه، تدوین شد و گردآوری داده ها با استفاده از داده های حاصل از مصاحبه های کیفی و واقعه محور متعدد با ۲۲ نفر از خبرگان صورت گرفت.

جهت ارزیابی روایی پژوهش از راهبردهای متعددی از جمله سه سوپیه سازی منابع داده ها^۱ بازبینی توسط همکاران^۲ و بررسی توسط مشارکت کنندگان^۳ به صورت ارزیابی توسط مشارکت کنندگان (ارزیابی درونی) جهت تأیید صحت برداشت های پژوهشگر و نیز حلقه های بازخورد از خبرگان بیرونی (ارزیابی بیرونی) یا نمونه های مشابه^۴ استفاده شده است. برای بررسی پایایی پژوهش نیز، از روش پایایی باز-آزمون^۵ و روش پایایی توافق میان دو کدگذار^۶ استفاده شده است.

داده های گردآوری شده در مطالعه میدانی با سه رویکرد کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. این سه رویکرد در ارتباطی همبسته با یکدیگر، به توسعه مفهومی در سطح پایین، متوسط و بالا کمک کردند. لازم به ذکر است که فرایندهای پژوهش در نظریه داده بنیاد خطی نیستند بلکه روند مطالعه به صورت بازگشتی پیش می رود و مراحل تحلیلی نیز باهم همپوشانی دارند.

۴- یافته های پژوهش

از لحاظ جمعیت شناختی نمونه پژوهش، مهم ترین ویژگی توجه به میزان تحصیلات آنان است، به نحوی که از ۲۲ نفر از خبرگان و

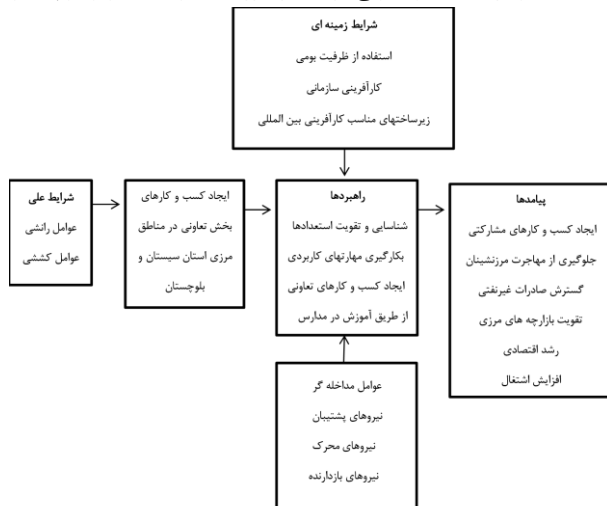
1. Data Source Triangulation
2. Peer Debriefing
3. Member Checking
4. Cross Checking
5. Re-Test Reliability
6. Inter-Coder Reliability

این الگو براساس درک مفاهیم مشترکی که بین اعضای مصاحبه شونده وجود داشت در خلال مصاحبه بین مصاحبه شوندگان بیستم تا بیست و دوم به درجه‌ای از اقبال رسیده شد و با ترکیب یافته‌های حاصله اقدام به تدوین الگوی آموزشی به منظور توانمندشدن دانش آموزان در ایجاد کسب و کارهای تعاونی در مناطق مرزی شد. در این الگو یکی از عوامل اساسی برای ایجاد کسب و کارهای تعاونی در مناطق مرزی آموزش در مدارس است. دانش آموزان پس از فارغ التحصیلی به عنوان نیروی فعال آماده به کار محسوب می‌شوند و بر این اساس یک الگوی منسجم آموزشی می‌تواند در زمینه سازی آن‌ها برای ایجاد کسب و کارهای تعاون محور نقش بسزایی داشته باشد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در این بخش، الگوی توانمندسازی کارآفرینانه دانش آموزان برای ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان در قالب خط داستانی نظریه ماهوی داده بنیاد روایت می‌شود. سپس هر یک از مقوله‌های اصلی بررسی شده و رابطه میان نظریه توسعه یافته با دانش موجود تحلیل می‌گردد. در صورت نیاز، با ارجاع و استناد به ادبیات معتبر مرتبط، حمایت از نظریه نیز فراهم خواهد شد.

- تبیین نظری الگوی توانمندسازی کارآفرینانه دانش آموزان برای ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان.



شکل ۱- الگوی توانمندسازی کارآفرینانه دانش آموزان برای ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان

جدول ۳- نمونه‌هایی از نشانه‌های کلامی

ردیف	مقوله اصلی	نمونه زیر مقوله	نمونه نشانه کلامی	کدمصاحبه شونده
۱	اصلاح مأموریت و ساختار آموزشی مدارس	آموزش کسب و کارهای گروهی	یکی از مواردی که قابل تأمل است ناتوانی افراد خصوصاً جوانان در انجام فعالیت‌های مشارکتی است	۹
۲	آموزش مبتنی بر	شناسایی	یکی از عوامل مهم برای	۲۰

گزاره ب- آموزش مبتنی بر توانمندسازی و افزایش مهارت در کارهای تیمی و پرورش خلاقیت نقش اصلی در شناسایی ظرفیت‌های انسانی، تضمین آینده شغلی و تشکیل تیم‌های کارآفرینی ایفا می‌کند.

گزاره پ- ترویج فرهنگ کارآفرینی در فضای سازمانی مدارس موجب توسعه کار تیمی و بها دادن به ایده‌های نهفته دانش آموزان می‌گردد. روحیه بخشی در انجام فعالیت‌های اجتماعی و شناسایی مهارت‌ها و علاقه‌مندی‌های هر فرد و ترکیب آن در کارهای جمعی موجب نهاده شدن فعالیت تعاون محور می‌شود.

گزاره ت- حمایت دولت به عنوان نیروهای پشتیبان و نیروهای محرک و همچنین موانع سازمانی و تحریم‌ها به عنوان نیروهای بازدارنده محسوب می‌شوند.

گزاره ث- نهاده سازی در سنین کودکی از طریق آموزش ایجاد کسب و کار گروهی موجب توسعه یادگیری و همکاری کار تیمی می‌شود.

جدول ۲- خلاصه مراحل کدگذاری و انتقال از داده به نظریه

مقوله اصلی	زیر مقوله	زیر مقوله فرعی	کدمصاحبه شونده
اصلاح مأموریت و ساختار آموزشی مدارس	تنظیم سند آموزشی	هویت بخشی به کارآفرینی	۱-۲-۳-۲۰-۲۱ ... ۲۱-۲۰-۲۱
		آموزش کار تیمی	
	ساختار عملیاتی	تشکیل هسته‌های تعاون دانش آموزی	
آموزش مبتنی بر توانمندسازی	مهارت آموزی	استعدادیابی	۱-۲-۳-۵-۷
		پرورش خلاقیت	۸-۹-۱۱-۱۲-۱۳-۱۶
		تضمین آینده شغلی	۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲
ترویج فرهنگ کارآفرینی	روحیه بخشی در انجام فعالیت‌های اجتماعی	کنش اجتماعی	۱-۲-۳-۲۰ ... ۲۰-۲۱
		توسعه کار تیمی	
حمایت‌های دولت به عنوان نیروهای پشتیبان	تسهیل‌گری در امر ایجاد تعاونی	مشوق و محرک	۱-۲-۳-۲۱-۲۲ ... ۲۱-۲۰-۲۱
		مانع زدایی	
نهاده سازی در سنین کودکی	آموزش	فرهنگ سازی	۱-۲-۳-۴-۵-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۳-۱۴-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲

انسجام و یکپارچه سازی گزاره‌های ذکر شده در الگوی مورد پژوهش (شکل ۱)، روابط میان مقوله‌های اصلی را روشن کرده و امکان تحلیل را فراهم می‌آورد. در راستای معرفی الگوی توانمندسازی کارآفرینانه دانش آموزان به منظور ایجاد کسب و کارهای تعاونی در مناطق مرزی سیستان و بلوچستان، میزان ریشه‌داری مفاهیم و گزاره‌های توسعه یافته در داده‌ها و بنیان داده محور آن‌ها با استفاده از نمونه‌هایی از داده‌های واقعی به شکل نشانه کلامی در جدول ۳ ارائه شده است.

براساس نتایج حاصله از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته که جمعی از صاحب نظران و خبرگان در حوزه کسب و کارهای تعاونی در آن مشارکت داشته‌اند، توانمندسازی کارآفرینانه دانش آموزان به منظور ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی به صورت یک الگوی آموزشی تدوین شد. در

حمایت‌های دولت به‌عنوان نیروهای پشتیبان: یافته‌های حاصله از الگوی توانمندسازی کارآفرینانه دانش‌آموزان به‌منظور ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی نیز نشان می‌دهد که حمایت‌های دولت به‌عنوان یک نیروی محرک و مشوق برای گرایش مردم به تأسیس تعاونی‌ها نقش بسزایی دارد. به‌عنوان یک زیرمقوله فرعی، مصاحبه‌شوندگان به نقش دولت در مانع‌زدایی سازمانی به‌عنوان نیروهای بازدارنده تأکید می‌کردند.

نهادینه‌سازی در سنین کودکی: این مقوله اختصاص به بعد فردی افراد دارد. مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اقدامی که می‌تواند زمینه‌ساز رشد فکری و نهادینه‌سازی کار تعاون در آن شود. اظهارات مصاحبه‌شوندگان نشان داد که آموزش و فرهنگ‌سازی می‌تواند به‌عنوان زیرمقوله‌های اصلی در افراد مورد مطالعه قرار گیرد. مقوله‌های فرعی همچون آموزش تاب‌آوری و تحمل شکست، مهارت‌آموزی، فرهنگ‌سازی برای انجام فعالیت‌های گروهی، تیم‌سازی مورد توجه مصاحبه‌شوندگان بود.

پژوهش‌های گوناگونی در حوزه توسعه کسب و کارهای مناطق مرزی، نقاط قوت، نقاط ضعف، چالش‌ها و فرصت‌ها صورت گرفته است و نقطه اشتراک پژوهش‌ها همسویی نظریه‌ها بر توسعه مناطق مرزی با بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصاد مرزی است. در پژوهش‌های بررسی‌شده از سوی پژوهشگران، این ایده به نظر رسید تا با ارائه یک الگوی آموزشی منسجم، ایجاد کسب و کارهای تعاون‌محور در مناطق مرزی از سنین پایه و در مدارس آموزش داده شود تا به‌عنوان یک نوآوری آموزشی و پژوهشی، فرهنگ کار و تعاون در دوران کودکی و نوجوانی به مردم مناطق مرزی آموزش داده شود تا علاوه بر همسویی با دیگر پژوهش‌ها با تأکید بر توسعه کسب و کار در مناطق مرزی، زمینه ایجاد فرهنگ تعاون در مناطق مرزی شود. نکته حائز اهمیت آن است که پس از مطالعه پژوهشگر بر روی پژوهش‌های داخلی و خارجی یک پراکندگی موضوع کارآفرینی بر روی دانش‌آموزان وجود داشت. پژوهش‌های متعددی بر اهمیت امر آموزش کارآفرینی در سنین پایه در سرتاسر دنیا وجود داشت و همین‌طور تأکید ویژه‌ای بر آموزش کار گروهی و تیمی در مدارس شده بود. از سوی دیگر پژوهش‌هایی وجود داشت که به ایجاد کسب و کارهای مناطق مرزی تأکید می‌کرد و تا حدی پژوهش‌هایی مبتنی بر تعاونی‌های مناطق مرزی وجود داشت که به ضرورت گسترش کسب و کارهای تعاون‌محور در مناطق مرزی اشاره می‌کرد اما خلاء احصاشده توسط پژوهشگر آن بود که اشاره‌ای به دانش‌آموزان که در حقیقت همان کودکان و نوجوانان کار در مناطق مرزی بودند نشده بود. اهمیت مقایسه نتایج این پژوهش با سایر پژوهش‌ها در آن است که توجه ویژه‌ای به قشر دانش‌آموزان مناطق مرزی به‌عنوان آینده‌سازان حوزه کارآفرینی مناطق مرزی شده است، به این معنی که این دانش‌آموزان می‌توانند با قرارگرفتن در یک الگوی آموزشی منسجم در حوزه کارآفرینی خصوصاً کارآفرینی تعاون‌محور توانمند شوند. تعاونی‌های مرزی بازتابی از فرهنگ و سنت ملت‌های گوناگون و از

ردیف	مقوله اصلی	نمونه زیر مقوله	نمونه نشانه کلامی	کدمصاحبه شونده
	توانمندسازی و افزایش مهارت در کارهای تیمی	ظرفیت‌های انسانی	افزایش توانمندی افراد در کارهای گروهی آموزش است و باعث می‌شود تا ظرفیت‌های هر فرد شناسایی شود	
۳	ترویج فرهنگ کارآفرینی در مدارس	هم‌افزایی کار تعاون محور	اساس تعاون بر پایه همکاری بنا نهاده شده است اما اکثر افراد جامعه فردمحور به کارآفرینی می‌پردازند	۱۴
۴	نیروهای پشتیبان	حمایت‌های دولتی	عامل مؤثر حمایت‌های دولتی از کسب و کارهای تعاون محور است و می‌تواند نقش محرک در ترغیب افراد برای حضور در تعاونی‌ها ایفا کند	۸
۵	نهادینه‌سازی در سنین کودکی	آموزش تیم‌سازی و کار گروهی	از آنجایی که عمده شخصیت افراد در سنین کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد، بزرگ‌ترین فرصت برای آموزش کار گروهی است	۱۶

الگوی توانمندسازی کارآفرینانه دانش‌آموزان برای ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان به‌عنوان نوآوری در عرصه آموزشی، چرایی و چگونگی شکل‌گیری فرایند توانمندسازی دانش‌آموزان را تبیین می‌نماید. بر این اساس الگوی توانمندسازی کارآفرینانه ویژه دانش‌آموزان مناطق مرزی برای ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی دارای مقوله‌هایی است که به ترتیب قابل بررسی است.

اصلاح مأموریت و ساختار آموزشی مدارس: از زیرمقوله ترویج فرهنگ تعاون مواردی چون ایجاد کسب و کار مشارکتی در مناطق مرزی و همچنین ایجاد توانمندی در بروز خلاقیت‌ها و ایجاد کسب و کارهای دانش‌بنیان احصاء شد. بر این اساس آموزش کسب و کار گروهی در دوران تحصیل می‌تواند زمینه‌ساز فرهنگ تعاون و ایجاد کسب و کارهای گروهی شود.

آموزش مبتنی بر توانمندسازی و افزایش مهارت در کارهای تیمی: توانمندسازی و مهارت‌آموزی در کارهای تیمی به‌عنوان مقوله اصلی در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان نقش بسزایی ایفا می‌کند. در ارتباط با این مقوله نتایج تحلیل‌ها نشان از شناسایی ظرفیت‌های انسانی، پرورش ذهن خلاق برای تضمین آینده شغلی و تشکیل تیم‌های کارآفرینی بر پایه کار تعاونی داشته است.

ترویج فرهنگ کارآفرینی در فضای سازمانی مدارس: این مقوله به‌عنوان یک مقوله اصلی، زیرمقوله‌هایی را در خود جای داده است. اظهارات مصاحبه‌شوندگان نشان داد که مدل جدید آموزش در مدارس باعث می‌شود تا به ایده‌های نهفته دانش‌آموزان بها داده شود. زیرمقوله اصلی که مورد تأکید اکثر مصاحبه‌شوندگان بود شناسایی مهارت‌ها و علاقه‌مندی‌های هر فرد و ترکیب آن در کارهای جمعی بود که به نوعی منتج به تشکیل یک فعالیت تعاون‌محور می‌شود.

تجربی بیشتری برای دانش آموزان فراهم آورد به نحوی که دانش آموزان هسته‌های تعاون محور در مدرسه تشکیل دهند و آن را در جامعه‌ای فراتر از مدرسه به واقعیت تبدیل کنند. مدرسه به عنوان یک سازمان می‌تواند شروعی برای تشریک مساعی افراد در جامعه حقیقی باشد.

و سرانجام آزمون یافته‌های این پژوهش توسط طرح‌های پژوهشی کمی در دیگر جوامع آماری به منظور تعمیم یافته‌ها و نتایج قلمرو موضوعی مقاله، به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود.

۶- مراجع

- ۱- ثقفی، مهدی، بررسی نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه اقتصادی استان. فصلنامه پژوهشنامه مطالعات مرزی، ۵(۱): ۱-۱۳۹۶.
- ۲- سعیدی، علی‌اصغر؛ اسماعیل‌زاده، خالد؛ عبدالله‌پور، جمال. بررسی جامعه‌شناختی اقتصادی بازارچه‌های مشترک مرزی مطالعه موردی: بازارچه‌های مرزی سردشت و پیرانشهر فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۶(۴۵): ۹۳-۱۳۸۸.
- ۳- جمعه‌پور، محمد، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها. انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- ۴- شریفی، محمد. آموزش کارآفرینی و نقش آن در توسعه مهارت‌ها و نگرش‌های کارآفرینانه، مجله کارآفرینی و توسعه، ۵(۱): ۴۵-۵۶، ۱۳۹۰.
- ۵- سیدنورانی، سیدمحمد رضا؛ تارلی، فتح‌اله؛ محمدپور، حسن، تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و حکمرانی خوب بر اشتغال در کشورهای در حال توسعه. فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، (پیاپی ۳۱) ۳۳-۲۱، ۱۳۹۹.
- ۶- زیودار، مهدی؛ ایمانی‌پور، نرگس؛ طالبی، کامبیز؛ حسینی، سیدرسول، الگوی برای تصمیم‌گیری در مورد ایجاد کسب و کار جدید با رویکرد نظریه داده بنیاد. مدیریت نوآوری، ۵(۲)، ۱۰۹-۱۳۴، ۱۳۹۵.
- 7- Okoye, A. C. Entrepreneurship education: A panacea for graduate unemployment in Nigeria. Online Journal of Arts, Management and Social Sciences, 2(1), 56-63, 2017.
- 8- Carrier, C. Strategies for teaching entrepreneurship: What else beyond lectures, case studies and business plans? In A. Fayolle (Ed.), Handbook of research in entrepreneurship education, vol. 1. Cheltenham, UK and Northampton, MA, US: Edward Elgar Publishing, 2007.
- 9- Polbitsyn, S.N. Russia's Rural Entrepreneurial Ecosystems. Economy of Region. 15. 298-308. 10.17059/2019-1-23, 2019.
- 10- Peterman, N.E., & Kennedy, J. Enterprise education: Influencing students' perception of entrepreneurship. Entrepreneurship Theory and Practice, 28(2), 129-144, 2003.
- 11- Bellotti, F., Berta, R., De Gloria, A., Lavagnino, E., Dagnino, F., Ott, M. & Mayer, I. S. Designing a course for stimulating entrepreneurship in higher education through serious games. Procedia Computer Science, 15, 174-186, 2012.
- 12- PeykariFar, F. & MahNegar, F. Examine the role of universities in entrepreneurship development. National conference on entrepreneurship and business management knowledge base. Tehran, University of Mazandaran, 2, 53-65. (Persian), 2012.
- 13- Olugbola, S.A. Exploring entrepreneurial readiness of youth and startup success components: Entrepreneurship training as a moderator. Journal of Innovation & Knowledge, 2(3): 155-171, 2017.
- 14- Zimmerman, M. A. Empowerment Theory: Psychological, Organizational and Community Levels of Analysis. In J. Rappaport & E. Seidman (Eds.), Handbook of Community Psychology (pp. 43-63). New York: Springer, 2000.
- 15- Bandura, A. Self-Efficacy: The Exercise of Control. New York: W.H. Freeman and Company, 1997.

سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند که با نگاهی گذرا به آن‌ها می‌توان با روحیه و آداب رسوم جوامع مختلف آشنا شد. با وجود اینکه این صنعت فرصت‌های اقتصادی مناسبی را برای کشورها فراهم می‌کند اما نمی‌توان تنها به بُعد اقتصادی آن توجه داشت زیرا همراه با دادوستد این کالاها، ویژگی‌های فرهنگی نیز مبادله می‌شود، به بیان دیگر با تبادلات مردم بومی منطقه به عنوان مثال صنایع دستی که به نوعی فرهنگ‌ها با یکدیگر تعامل و ارتباط برقرار می‌کنند. اما آنچه که موجب زوال فعالیت‌های کارآفرینان در این منطقه شده است را می‌توان عواملی از جمله پایین بودن سطح مهارت و آگاهی مردم منطقه، کمبود یا نبود مشارکت محلی در رسیدگی به وضعیت اشتغال جوانان، آثار و عدم وجود نیروهای متخصص آموزش دیده، ناشناخته ماندن ظرفیت و توانمندی استان در طول سالیان متمادی بیان کرد.

با توجه به یافته‌ها و نتایج حاصل از پژوهش پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود: با توجه به گستره عمل وزارت آموزش و پرورش به عنوان متولی اصلی آموزش در کشور و همپوشانی سیاست‌های ابلاغی آن با دیگر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور، پیشنهاد می‌شود در مقام عمل دو وزارتخانه آموزش و پرورش و تعاون، کار و رفاه اجتماعی طرح عملیاتی توانمندسازی کارآفرینانه دانش آموزان با هدف ایجاد کسب و کارهای پایدار تعاونی مناطق مرزی را در مدرسه ابتدا به صورت آزمایشی و سپس به صورت گسترده در مدارس مناطق مرزی کشور اجرا نمایند.

با توجه به پهناور بودن کشور ایران و تعدد مناطق مرزی در آن و همچنین با توجه به کمتر توسعه یافتگی مناطق مرزی نسبت به استان‌های مرکزی کشور خصوصاً از منظر پایداری کارآفرینی، به متخصصین مدیریت آموزشی در سطح کلان سیاست‌گذاری نظام آموزشی آموزش و پرورش، پیشنهاد می‌شود در کنار تألیف کتب کار و فناوری، متناسب با شرایط هر منطقه مرزی، کسب و کارهای بومی با رویکرد تعاون و همکاری به دانش آموزان آموزش داده شود تا علاوه بر ایجاد فرهنگ کارگروهی در سنین پایه منتج به تربیت نسل پویا برای ایجاد کسب و کارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی شود. نگاه به این مقوله از منظر کودکان و نوجوانان کار که در حقیقت دانش آموزان مناطق مرزی به شمار می‌آیند، توانمندسازی کارآفرینانه برای ایجاد کسب و کارها با تمرکز بر کسب و کارهای تعاونی ویژه دانش آموزان، آن‌ها را پس از فارغ التحصیلی به خلق کسب و کارهای کارآفرینانه تعاون محور سوق می‌دهد.

به کارگیری یک ساختار آموزشی علمی کاربردی اجتماع محور در کنار دیگر سرفصل‌های نظام آموزشی مدارس می‌تواند در موفقیت دانش آموزان برای دستیابی به کسب و کارهای بخش تعاونی در مناطق مرزی سیستم و بلوچستان مؤثر باشد.

مدیران بالادستی آموزش و پرورش با تأکید ویژه بر درس‌هایی مانند کار و فناوری در مقطع متوسطه دوم، مدیران مدارس را ترغیب نمایند تا با در اختیار قرار دادن آزادی عمل بیشتری به معلمان زمینه‌های عینی و

- 40- Lund, J., & Aabo, S. "Economic and Employment Impact of Cooperatives in Border Regions." *Journal of Regional Development*, 15(3), 227-240, 2018.
- 41- Wilson, T., et al. "Cooperatives as Instruments of Social Security in Borderlands." *International Journal of Social Economics*, 47(5), 812-828, 2020.
- 42- Hartley, M., & Johnson, L. "Cross-Border Trade and Cooperative Development." *Global Economic Studies*, 12(1), 95-113, 2019.
- 43- Mayan, M. J. *An introduction to qualitative research: A guide for students of health and social sciences*. Routledge, 2001.
- 44- Glaser, B. G. *Doing grounded theory: Issues and discussions*. Sociology Press, 1998.
- 45- Bingham, C. & Moore, B. *Research Interview*. New York: Harper and Brothers, 1959.
- 46- Patton, M. Q. *Qualitative Evaluation and Research Methods* (2nd ed.). Newbury Park, CA: Sage Publications, 1990.
- 47- Given, L. M. *The Sage Encyclopedia of Qualitative Research Methods*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, 2008.
- 16- Shane, S., & Venkataraman, S. The Promise of Entrepreneurship as a Field of Research. *Academy of Management Review*, 25(1), 217-226, 2000.
- 17- Fayolle, A., & Gailly, B. From Craft to Science: Teaching Models and Learning Processes in Entrepreneurship Education. *Journal of European Industrial Training*, 32(7), 569-593, 2008.
- 18- Neck, H. M., & Greene, P. G. Entrepreneurship Education: Known Worlds and New Frontiers. *Journal of Small Business Management*, 49(1), 55-70, 2011.
- 19- Gibb, A. A. Entrepreneurship and Small Business Management: Can We Afford to Neglect Them in the Twenty-First Century Business School? *British Journal of Management*, 7(4), 309-321, 1996.
- 20- Shane, S. *A General Theory of Entrepreneurship: The Individual-Opportunity Nexus*. Edward Elgar Publishing, 2003.
- 21- McClelland, D. C. *The Achieving Society*. Princeton, NJ: Van Nostrand, 1961.
- 22- Bandura, A. Self-efficacy mechanism in human agency. *American Psychologist*, 37(2), 122-147, 1982.
- 23- Burt, R. S. The network structure of social capital. *Research in Organizational Behavior*, 22, 345-423, 2000.
- 24- Porter, M. E. *The Competitive Advantage of Nations*. New York: Free Press, 1990.
- 25- Hofstede, G. *Culture's Consequences: International Differences in Work-Related Values*. Beverly Hills, CA: Sage Publications, 1980.
- 26- Smallbone, D., & Welter, F. The Distinctiveness of Entrepreneurship in Transition Economies. *Small Business Economics*, 16(4), 249-262, 2001.
- 27- Dana, L. P. *Creating Entrepreneurs: Lessons from Indigenous and Immigrant Economies*. Singapore: World Scientific Publishing, 2000.
- 28- Ahmadpour, M., & Karimi, M. Entrepreneurship Empowerment in Border Regions. *Iranian Journal of Entrepreneurship Development*, 15(3), 45-60, 2020.
- 29- Ajzen, I. The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50(2), 179-211, 1991.
- 30- Birchall, J. *Cooperatives and the Millennium Development Goals*. Geneva: International Labour Organization, 2004.
- 31- Novkovic, S. Defining the co-operative difference. *The Journal of Socio-Economics*, 37(6), 2168-2177, 2008.
- 32- Michie, J., Blasi, J. R., & Borzaga, C. *The Oxford handbook of mutual, co-operative, and co-owned business*. Oxford University Press, 2017.
- 33- Mazzarol, T., & Limnios, E. M. Innovations in cooperative business models. *International Journal of Innovation Management*, 23(5), 195-221, 2019.
- 34- McLaughlin, J., & Gómez, M. Cooperative development in border regions: Opportunities and challenges. *Journal of Borderlands Studies*, 36(2), 229-246, 2021.
- 35- Niesten, E., & Jolink, A. Cross-border cooperation and the development of sustainable regional clusters. *International Journal of Economic Policy in Emerging Economies*, 13(3), 203-219, 2020.
- 36- Khamis, S., & Gunawan, A. Cross-border cooperatives as a tool for poverty reduction: Evidence from South-East Asia. *Development Policy Review*, 39(5), 765-781, 2021.
- 37- Svensson, L., & Hamalainen, M. Governance challenges in cross-border cooperatives: Comparative cases from European borders. *Public Management Review*, 24(1), 88-104, 2022.
- 38- Del Monte A., Pennacchio. Historical roots of regional entrepreneurship: the role of knowledge and creativity. *Small Business Economics* Fuster, 2019.
- 39- Tumasjan, A., & Braun, S. The influence of early entrepreneurship education on the development of entrepreneurial self-regulation. *Journal of Business Venturing*, 27(4), 510-526, 2012.